

سلام الافضل



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه - منطق (منطق فلسفی)

بررسی رابطه ضرورت و وجود از دیدگاه تیموتی ویلیامسون

امیر حسین یراقچی

استاد راهنما

دکتر لطف اله نبوی

استاد مشاور

دکتر محمد سعیدی مهر

اسفند ۱۳۸۸

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای **امیر حسین یراقچی** تحت عنوان :

رابطه وجود و ضرورت از دیدگاه تیموتی ویلیامسون

را از نظر شکل(فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر لطف الله نبوی	دانشیار	
۲	استاد مشاور	دکتر محمد سعیدی مهر	دانشیار	
۳	نماینده تکمیلی	دکتر سید محمد علی حجتی	دانشیار	
۴	استاد ناظر	دکتر سید محمد علی حجتی	دانشیار	
۵	استاد ناظر	دکتر فرشته نباتی	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته فلسفه گرایش منطق

است که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر لطف الله نبوی ، مشاوره جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر از آن دفاع شده است.

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب امیر حسین یراقچی دانشجوی رشته فلسفه (منطق) مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: امیر حسین یراقچی

تاریخ و امضا:

تشکر و قدردانی

وظیفه خود می دانم از کسانی که مرا در تکمیل این پایان نامه یاری رسانده اند تشکر و قدر دانی نمایم.

از جناب آقای دکتر لطف الله نبوی ، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس ، که زحمت راهنمایی ، مطالعه و نقد نوشته های بنده را متقبل شده اند .

از جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس ، که زحمت مطالعه نوشته های بنده را متقبل شده اند و از درسهای ایشان در حوزه متافیزیک بهره برده ام.

از جناب آقای داوود حسینی ، دانشجوی دکتری رشته منطق دانشگاه تربیت مدرس که در درک مطالب به اینجانب کمک شایانی کرده اند و از مصاحبت با ایشان بهره وافر برده ام .

از جناب آقای دکتر سید محمد علی حجتی و سر کار خانم دکتر فرشته نباتی که زحمت مطالعه و داوری این تحقیق را بر خود هموار کردند .

از تمامی این بزرگواران بابت زحمات شان تشکر و قدردانی می کنم و امیدوارم در رسیدن به اهداف خویش موفق و موید باشند.

چکیده

مفهوم وجود از جمله مفاهیمی است که از گذشته تاکنون در بین فلاسفه مورد بحث قرار گرفته است. چنین بحث هایی را میتوان به دو محور اصلی تقسیم کرد. محور اول به ابعاد هستی شناسانه وجود می پردازد که به موجب آن با دو مکتب ممکن گرایی و واقعگرایی مواجه هستیم که هر کدام در راستای مبانی متافیزیکی خود سعی میکنند درباره محدودۀ دامنه اشیا سخن بگویند. محور دوم شامل بحث هایی میشود که به محمول واقع شدن وجود می پردازند. به موجب چنین بحث هایی به واسطه اینکه وجود را بعنوان محمولی درجه اول و یا درجه دوم در نظر بگیریم میتوانیم از وجود ممکن و یا در مقابل از وجود ضروری اشیا سخن بگوئیم. وجود ضروری از جمله فرمولهایی است که در سیستم S5 ساده ترین منطق موجهات محمولی در کنار فرمول هایی نظیر BF, CBF قابل اثبات و معتبر است. اما در عین حال که صحبت از اعتبار وجود ضروری اشیا نیازمند ارائه مفهومی درجه دوم از وجود است، صحبت از اعتبار فرمول بارکان نیازمند تعهد وجودی به اشیا ممکن است که به اعتقاد ممکن گرایان در دامنه اشیا موجود قرار نمی گیرند. در همین راستا تیموتی ویلیامسون به تبعیت از لینسکی و زالتا به منظور دفاع از هر دو فرمول BF, NE ، بحث اعتبار فرمول بارکان را از محور اول خارج کرده و به محور دوم انتقال میدهد. به این ترتیب او با استفاده از اوصاف جهت مند تعریف جدیدی از اشیا ممکن ارائه میکند که از طریق آن می توان بدون داشتن تعهد وجودی به اشیا ممکن غیر واقعی از اعتبار فرمول بارکان در کنار وجود ضروری اشیا دفاع کرد. پس از آن ویلیامسون با ارائه مفهومی درجه دوم از وجود در قالب نظریه سورهای نامقید شرایط صحبت از وجود منطقی برای اشیا را فراهم میکند تا از آن طریق بتوانیم درک بهتری از وجود ضروری داشته باشیم.

کلمات کلیدی: وجود ضروری، وجود منطقی، فرمول بارکان، واقعگرایی، ممکن گرایی، سورهای نامقید، اشیا ممکن غیر واقعی، صفات جهت مند.

فهرست

عنوان صفحه

فصل اول : مقدمه ، کلیات و تعاریف

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق، سئوالات و فرضیه ها ۷
- ۳-۱- نگاهی به فصل های تحقیق: ۸
- ۴-۱- تعاریف: ۱۰

فصل دوم : واقعیگرایی یا ممکن گرایی

- ۱-۲- مبانی متافیزیکی واقعی گرایی ۱۳
- ۱-۲-۱- ساده ترین منطق موجهات محمولی (SQML) و انتقادات واقعی گرایان به آن ۱۷
- ۲-۱-۲- مدل های کربیکی و تعهد وجودی به اشیاء ممکن غیرواقعی ۲۰
- ۳-۱-۲- رویکردهای مختلف به واقعی گرایی ۲۳
- ۱-۳-۱-۲- واقعیگرایی کلاسیک ۲۴
- ۱-۳-۱-۲- رویکرد ناتان سَمون ۲۴
- ۲-۱-۳-۱-۲- رویکرد الوین پلانتینگا ۲۵
- ۳-۱-۳-۱-۲- رویکرد کیت فاین ۲۸
- ۴-۱-۳-۱-۲- رویکرد کریستوفر منزل ۳۰
- ۲-۳-۱-۲- واقعیگرایی جدید ۳۲
- ۱-۲-۳-۱-۲- رویکرد لینسکی و زالتا و احیاء SQML ۳۲
- ۳-۳-۱-۲- نقد بنت به رویکرد جانشینا در واقعیگرایی ۳۶
- ۲-۲- مبانی متافیزیکی ممکن گرایی ۳۸
- ۱-۲-۲- رویکردهای مختلف به ممکن گرایی ۳۹
- ۱-۱-۲-۲- نظریه برنارد بولزانو ۴۰
- ۲-۱-۲-۲- نظریه ماینونگ ۴۳
- ۳-۱-۲-۲- نظریه دیوید لوئیس ۴۴

- ۲-۲-۲- مزایا و معایب ممکن گرایی ۴۷
- ۳-۲- معیار تشخیص واقعی‌گرایی از ممکن گرایی ۵۰

فصل سوم : دفاع از BF و مسأله تعیین اشیاء ممکن

- ۱-۳- فرمول بارکان و مثالهای نقض مطابق شهود ۵۵
- ۲-۳- تعریف ویلیامسون از اشیاء ممکن محض ۶۰
- ۳-۳- مقایسه اشیاء ممکن محض با اشیاء گذشته ۶۸
- ۴-۳- مسأله تعیین اشیاء ممکن محض ۷۰
- ۵-۳- مسأله شمارش و نامگذاری اشیاء ممکن محض ۷۳
- ۶-۳- انتقاد ریناهایاکی در مورد شمارش اشیاء ممکن محض ۷۶
- ۳-۷- انتقاد وینفرد لافلر بر اشیاء ممکن محض ۷۸

فصل چهارم : دفاع از NE در سایه عقلانیت سورهای نامقید

- ۱-۴- رابطه صفات منطقی و سورهای نامقید ۷۹
- ۲-۴- کلیت مطلق و نسبت آن با زبان طبیعی ۹۰
- ۳-۴- پارادوکس نظریه کلیت مطلق ۹۷
- ۴-۴- وجود منطقی و وجود فیزیکی ۱۰۶

فصل پنجم : دفاع از NE با تکیه بر شرایط صدق گزاره های سالبه وجودی

- ۱-۵- برهان وجود ضروری ۱۱۴
- ۲-۵- بررسی اعتبار مقدمات برهان وجود ضروری ۱۱۷
- ۳-۵- نقد NE در سایه معنانشناسی پرایور ۱۲۷
- ۴-۵- "وجود" بعنوان محمول درجه دوم و رابطه‌ی آن با امکان ۱۳۴
- ۵-۵- اصل اقتصاد در هستی شناسی و یا سادگی در سیستم نحوی- معنایی ۱۳۹
- نتیجه گیری ۱۴۶
- منابع فارسی و انگلیسی ۱۵۳

فصل اول

در این فصل پس از مروری کوتاه بر پیشینه تحقیق
و بیان مسائل و اهداف پیش رو، نگاهی اجمالی بر
فصل های تحقیق داشته و در آخر برخی از تعاریف
مورد استفاده در متن را بیان کرده ام.

مقدمه، کلیات و تعاریف

۱-۱- مقدمه

مفهوم "وجود" از جمله مفاهیمی است که بواسطه ابهام مندرج در آن از اعصار گذشته تا به امروز در بین فلاسفه مورد بحث قرار گرفته است. از زمانیکه کانت محمول واقع شدن آنرا مورد سؤال قرار داد تا ظهور منطق جدید، همیشه این سؤال مطرح بوده که آیا می توان از "وجود" همانند اوصاف دیگر بعنوان محمول جمله یاد کرد؟ با پیدایش منطق کلاسیک توسط فرگه و راسل در راستای ارائه مفهومی درجه دوم از محمول وجود و واگذاری نقش آن به سور جمله وجودی به نظر می رسید که چنین بحثی به پایان کار خویش رسیده است اما با مطرح شدن منطق موجهات محمولی مجدداً این بحث ابعاد تازه ای به خود گرفت. بشر که در سراسر تاریخ اندیشه خود با اتکاء بر شهود خویش از "ممکن بودگی موجودات" سخن می گفت، به یکباره با فرمولی در حوزه منطق موجهات محمولی مواجه شد که از وجود ضروری اشیاء حکایت می کرد. فرمول "وجود ضروری"^۱ در کنار فرمولهایی نظیر فرمول بارکان از جمله فرمولهای بحث برانگیزی بود که بواسطه در نظر گرفتن مدلی با دامنه ثابت در اولین نظام معنایی کریپکی معتبر شناخته شد. رویکرد دامنه های ثابت با ثابت فرض کردن اشیاء موجود در دامنه جهانهای ممکن این امکان را برای طرفداران چنین سیستمی فراهم می کرد که نه تنها از وجود ضروری اشیاء سخن بگویند بلکه از اعتبار فرمولهای بحث برانگیزی نظیر بارکان که در توجیه خود به اشیاء ممکن غیرواقعی متوسل می شدند نیز دفاع کنند. این مساله موجب شد سیستم اول کریپکی با سلیلی از انتقادات از طرف واقعگرایان مواجه شود.

^۱ - Necessary Existence=NE

اما هر قدر اثبات و اعتبار چنین فرمولهای بحث برانگیزی در اولین نظام معنایی کریپکی، منطقدانان را در کنار گذاشتن چنین نظامی مجاب می کرد، در عین حال ارتباط نحوی و معنایی این فرمولها با یکدیگر باعث بروز این شک می شد که شاید اشیاء مورد نظر فرمول بارکان بواسطه ارتباط آن با NE با اشیاء ممکن غیرواقعی¹ ممکن گرایان کلاسیک متفاوت باشد. چنین شکی از آنجا نشأت می گرفت که ممکن گرایان کلاسیک علی رغم صحبت از اشیاء ممکن غیرواقعی، بواسطه تمایز قائل شدن بین دامنه اشیاء واقعی و موجود با دامنه اشیاء غیرواقعی و غیر موجود بر "ممکن بودگی موجودات" صحه می گذاشتند در حالیکه اشیاء مورد نظر فرمول بارکان بواسطه ارتباط با فرمول وجود ضروری نمی توانستند مؤیدی بر "ممکن بودگی اشیاء" باشند.

با این اوصاف به نظر می رسد که ارائه تعریفی جدید در باب اشیاء ممکن، ما را در درک وجود ضروری اشیاء یاری دهد و نقاط مبهم خلاف شهود آنرا برایمان روشن سازد.

اما نکته دیگری که لازم است در کنار وجه افتراق اشیاء ممکن مورد نظر فرمول بارکان و اشیاء ممکن غیرواقعی به آن اشاره شود این مساله است که صحبت از "ممکن بودگی موجودات" مهر تأییدی به محمول واقع شدن "وجود" و صفت قلمداد کردن آن است. زیرا برای انکار اعتبار فرمول وجود ضروری اشیاء می بایست با کنار گذاشتن رویکرد دامنه های ثابت در سیستم اول کریپکی به رویکرد دامنه های نسبی اتخاذ شده در سیستم دوم او رجوع کرد. چرا که براساس چنین رویکردی، ما با مدلی مواجه هستیم که در آن دامنه اشیاء نسبت به جهانهای ممکن متغیر است و سورهای وجودی تنها به اشیاء دامنه جهان مورد نظر محدود شده اند. در نتیجه بواسطه متغیر بودن مصادیق اوصاف نسبت به دامنه جهانهای ممکن و با در نظر گرفتن "وجود" به عنوان محمول و هم ردیف دانستن آن با اوصاف دیگر می توان از ممکن بودگی موجودات سخن گفت. زیرا اشیایی که در جهان ما وجود دارند می توانند در جهان ممکن دیگری وجود نداشته باشند و اشیاء دیگری بعنوان مصادیق محمول "وجود" در آن جهان به حساب آیند. اما همانطور که در ابتدا اشاره شد، با پیدایش منطق کلاسیک و ارائه

¹ - Possibilia

مفهومی درجه دوم از وجود توسط فرگه و راسل ما شاهد انتقال محمول وجود به بخش سور جمله وجودی بودیم. چنین راهکاری باعث شد که برتراند راسل با ارائه نظریه توصیفات خاص خود و تمایز قائل شدن بین ساختار منطقی جمله از ساختار گرامری آن و حذف اوصاف معین از ساختار منطقی جمله بساط اشياء ممکن غیرموجود ماینونگ^۱ را بر چیده و دامنه هستی شناسی خود را از چنین اشیائی پاک کند.^۲

چنین رویه ای توسط منطقدانان پس از فرگه و راسل ادامه پیدا کرد. به طوری که کواین معیار سنجش ادعاهای هستی شناسانه یک نظریه را تنها در قالب این شعار می دید که "بودن یعنی مقدار یک متغیر بودن" و به همین سبب او نظریه راسل را در مورد حذف اوصاف معین از ساختار منطقی جمله، به اسامی خاص نیز تسری داده و معتقد بود که می توان با تبدیل اسامی خاص به اوصاف معین و حذف آنها از ساختار منطقی جمله، تنها درباره متغیرهای پابند یک جمله سخن گفت.^۳

به این ترتیب به نظر میرسد که صحبت از ممکن بودگی موجودات و محمول تلقی کردن "وجود" علی رغم همسویی با علائق واقعگرایانه منطقدانان کلاسیک با آن رویه ای که آنان در ارائه مفهومی درجه دوم از وجود در پیش رو داشتند متفاوت باشد. به همین منظور بررسی رویکردهای مختلف در واکنش به مشکلات حاصله از نظام معنایی دوم کریپکی ما را در توجیه وجود ضروری اشياء در مفهوم منطقی آن یاری خواهد رساند و این زمینه را فراهم می کند که "وجود" را بعنوان یک صفت منطقی که مفهومی درجه دوم است بهتر درک کرده و ضروری بودن آنرا در مفهوم منطقی با ممکن بودن آن در مفهوم فیزیکی مغایر ندانیم.

در همین راستا زمانیکه سیستم دوم کریپکی را مورد بررسی قرار می دهیم متوجه این مطلب می شویم که چنین سیستمی به واسطه رویکرد دامنه های نسبی و حذف ثوابت و متغیرهای فردی در بی اعتبار کردن فرمولهای بحث برانگیزی نظیر NE , BF , CBF موفق بوده است. اما علی رغم توفیق

^۱- Meinong

^۲- Russell, B., "on Denoting", Mind14, 1905, pp. 479-493

^۳- Quine, W.V.O., "On what there is", in from a logical point of view, 2nd. Ed., New york; Harper and Row, 1953, pp-1-19

او در پاکسازی اشیاء ممکن از دامنه اشیاء ز بان موضوعی به دلیل در نظر نگرفتن رابطه وجود ضروری اشیاء با فرمول بارکان و استفاده از مدلی با دامنه های متغیر مجدداً ما شاهد حضور چنین اشیایی در دامنه اشیاء فرازان سیستم هستیم. چنین مطلبی باعث شد که سیستم دوم کریپکی برخلاف ادعای اولیه مبنی بر واقعی‌گرایانه بودن، مورد هجوم انتقادات واقعی‌گرایان قرار بگیرد و این اتفاق منجر به مطرح شدن رویکردهای مختلفی به واقعی‌گرایی شد که در این بین برخی از آنها برخی دیگر را متهم به ممکن‌گرایی می‌کردند.

گروهی از واقعی‌گرایان موسوم به واقعی‌گرایان کلاسیک با اصلاح پذیر دانستن سیستم دوم کریپکی سعی داشتند با حفظ رویکرد دامنه های نسبی مشکلات فرازان آنرا برطرف کنند. در همین راستا الوین پلانتینگا با معرفی مفهوم ذات های فردی و جایگزین کردن آنها با اشیاء ممکن‌غیرواقعی توانست تا با معرفی واقعی‌گرایی جدی از ظهور اشیاء ممکن در دامنه اشیاء موجود جلوگیری کند و دامنه اشیاء فرازان را به ظاهر از چنین اشیایی پاک کند. همچنین منطقدانانی نظیر کیت فاین و مینزل با در نظر گرفتن فرازبانی جهت مند سعی داشتند تا با ارائه مفهومی تعریف ناپذیر و اولیه از عملگرهای ضرورت و امکان راه را برای اجتناب از حضور اشیاء ممکن در فرازان همواره کنند. اما آنچه که در مورد تمامی رویکردهای ملتزم به دامنه های نسبی مشهود است، دچار شدن آنها به پیچیدگی های نحوی و معنایی و دور افتادن از درک شهودی، نسبت به مفاهیم جهت مند است. در مقابل برخلاف تمامی رویکردهای کلاسیک به واقعی‌گرایی در سال (۱۹۹۴) رویکردی موسوم به واقعی‌گرایی جدید توسط لینسکی و زالتا ارائه شد که بواسطه در نظر گرفتن پیش فرضهای متافیزیکی جدیدی در باب اشیاء عالم هستی و با مد نظر قراردادن رابطه موجود بین فرمول وجود ضروری اشیاء و فرمول بارکان توانست در کنار ارائه تعریفی جدید از اشیاء ممکن از اعتبار فرمولهای NE , BF , CBF در ساده ترین منطقیات موجهات محمولی SQL دفاع کند. به اعتقاد آنها "انضمامی بودن" صفت ذاتی یک شیء به حساب نمی آید بلکه یک شیء انضمامی بالامکان انضمامی است و یک شیء غیرانضمامی، اگر ذاتاً انتزاعی نباشد (همانند اعداد) بالامکان غیرانضمامی است. به این ترتیب دامنه

اشیاء موجود و واقعی اعم از اشیاء انضمامی و غیرانضمامی است که در تمامی جهانهای ممکن ثابت بوده و وجود آن ضروری است. و اگر ما "امکان وجود داشتن" را با "امکان انضمامی بودن" بیان کنیم آنگاه می‌توانیم از ممکن بودگی اشیاء انضمامی سخن بگوئیم زیرا هر شیء انضمامی می‌تواند در جهان ممکن دیگری انضمامی نباشد و هر شیء غیرانضمامی می‌تواند در جهان ممکن دیگری انضمامی باشد.

به اعتقاد لینسکی و زالتا، با رویکرد دامنه‌های ثابت در ساده‌ترین منطق موجهات محمولی می‌توان از اشیاء، اعم از انضمامی و غیرانضمامی بعنوان متغیرهای پایند در دامنه سور وجودی سخن گفت و دیگر لزومی ندارد همانند ممکن‌گرایان کلاسیک با در نظر گرفتن دو دامنه از اشیاء موجود و غیرموجود از دو نوع سور وجودی بهره بگیریم. همچنین پایبندی به وجود ضروری اشیاء و مدلی با دامنه ثابت به ما کمک می‌کند که از سنت منطق کلاسیک در اجتناب از در نظر گرفتن وجود بعنوان محمول جمله پیروی کرده و منطقی را ارائه کنیم که نسبت به تمایلات هستی‌شناسانه هر دو مکتب واقعی‌گرایی و ممکن‌گرایی بی‌طرف باشد. با این اوصاف به نظر می‌رسد واقعی‌گرایی جدید علی‌رغم التزام وجودی به اشیاء بالامکان غیرانضمامی توانسته بواسطه قرارداد چینی‌اشیایی در دامنه اشیاء موجود و واقعی از تز اصلی واقعی‌گرایان مبنی بر اینکه "هر چیز موجودی، واقعی است" دفاع کرده و در عین حال چینی‌اشیایی را از دامنه بحث منطقی خارج نگرداند.

به این ترتیب اگر واقعی‌گرایی جدید با الهام از رابطه بین فرمول بارکان و فرمول وجود ضروری اشیاء توانسته باشد تعریف جدیدی از اشیاء ممکن ارائه دهد که دیگر دچار مشکلات مطرح شده در باب اشیاء ممکن غیرواقعی مورد نظر ممکن‌گرایان کلاسیک نباشد می‌توان گفت که راه برای درک بهتر وجود ضروری اشیاء در مفهوم منطقی آن هموارتر شده است اما چینی‌برداشتی مستلزم بررسی‌های دقیق‌تری است که می‌توان آنرا در آثار ویلیامسون مشاهده کرد.

همانطور که ما تا بدین جا درباره رابطه وجود ضروری اشیاء و اشیاء ممکن مورد نظر فرمول بارکان به دو محور اصلی اشاره کردیم که عبارت بود از ارائه تعریفی جدید از اشیاء ممکن محض و در نظر

گرفتن مفهومی درجه دوم از وجود در راستای پایبندی به اصول منطق کلاسیک، آثار ویلیامسون نیز در این زمینه معطوف به پرداختن به این دو محور اصلی در بحث است.

ویلیامسون در جهت دفاع از فرمولهای بارکان و عکس آن ابتدا با انتقال بحث از سیستم K منطق موجهات معمولی مورد نظرینسکی و زالتا به سیستم $S5$ چنین منطقی شرایط لازم برای اثبات و اعتبار فرمولهای مذکور را در کنار قابلیت های متافیزیکی $S5$ فراهم می کند. سپس با ارائه تعریفی دقیق از اشیاء ممکن محضی که تنها دارای صفات جهت مند هستند و تمایز قائل شدن بین این اشیاء و اشیاء ممکن مورد نظر ممکن گرایان کلاسیک شرایط را برای مقابله با مثالهای نقض مطرح شده علیه فرمول بارکان و عکس آن مهیا می کند.

تمایز اشیاء مورد نظر ویلیامسون و اشیاء ممکن ماینونگ مبتنی بر تمایز صفات جهت مند از صفات غیرجهت مند و وجود ضروری در مقابل وجود ممکن است. اگر اشیاء ممکن ماینونگ اشیایی غیرواقعی بودند که در عین وجود نداشتن همانند اشیاء موجود دارای اوصافی بودند در مقابل اشیاء ممکن ویلیامسون اشیاء موجودی هستند که بواسطه داشتن اوصاف جهت مند و وجودی ضروری اشیاء موجود هستند. اگر اشیاء ممکن غیرواقعی ماینونگ علی رغم وجود نداشتن بواسطه دارای صفت عادی بودن در وعائی گسترده تر از دامنه اشیاء موجود حضور داشتند و یا به عبارت دیگر دارای تقرر بودند در مقابل اشیاء ممکن ویلیامسون علی رغم وجود داشتن، بواسطه اینکه دارای صفات جهت مند هستند و نه صفات عادی و غیرجهت مند اشیاء انضمامی، در هیچ کجا از زمان و مکان یافت نمی شوند و لزومی ندارد که برای آنها وعائی خاص را در نظر گرفت. با این اوصاف می توان گفت اشیاء ممکن مورد نظر ویلیامسون متغیرهای پایبندی در دامنه سور وجودی هستند که وجودشان تنها در مفهوم و فضای منطقی مطرح است و خارج از چنین فضایی که متعلق به اشیاء انضمامی و زمانی مکانی است حضور ندارند. در نتیجه می توان از وجود چنین اشیایی با صفات جهت مند در توجیه اعتبار فرمولهای بارکان و عکس آن استفاده کرد و در عین حال شرایط خلاف شهود را در باب ممکن بودگی اشیاء انضمامی بوجود نیاورد.

محور دیگری که برخی از آثار ویلیامسون بدنبال توجیه آن هستند بحث وجود ضروری اشیاء است. به اعتقاد او وجود همانند اوصاف دیگر منطقی نظیر اینهمانی و صدق منطقی دارای شرایطی است که برگرفته از بی طرفی منطق نسبت به وقایع عالم خارج است. چنین اوصافی بواسطه صادق بودن در هر تعبیری نسبت به محدودیت های معرفتی اعمال شده به دامنه اشیاء آن تعبیر بی تفاوت اند. در نتیجه وجود در معنای منطقی آن صفتی ضروری است که حمل بر اشیاء می شود و چنین اشیایی محدود به اشیاء انضمامی و زمانی مکانی نیستند. چنین مفهومی از وجود با مفهوم فیزیکی از وجود که تنها اشیاء انضمامی را در بر می گیرد مغایر نیست بلکه هر شیء ای در مفهوم فیزیکی یک شیء منطقی است اما هر شیء منطقی یک شیء فیزیکی نیست. ابزاری که ویلیامسون در بیان وجود منطقی از آن بهره می گیرد نظریه سورهای نامقید و کلیت مطلق است که بواسطه آن می توان هر چیزی را در مفهوم مطلق آن در دامنه سور قرار داد و مدعی شد که دامنه سور هیچ محدودتی را بر نمی تابد در نتیجه ویلیامسون با دفاع از وجود ضروری اشیاء در سایه عقلانیت سورهای نامقید و بهره گیری از برهان وجود ضروری از نظریه خود در باب وجود ضروری اشیاء دفاع می کند.

در این تحقیق سعی شده تا با بررسی آثار ویلیامسون در باب اشیاء ممکن محض و وجود ضروری اشیاء ابعاد ناپیدای نظریه لینسکی و زالتا مورد بررسی قرار داده و بنیان های نظری محکمی را در حمایت از واقع‌گرایی جدید مطرح کنیم. به همین منظور می توان اهداف تحقیق را در پاسخگویی به سه سؤال زیر جویا شد.

۱-۲- اهداف تحقیق، سئوالات و فرضیه ها

- ۱- ویلیامسون چگونه می تواند از فرمول بارکان و عکس آن دفاع کند؟
- ۲- با توجه به تلاش ویلیامسون در پاسخ به نقدهای وارد بر ممکن گرایی، او چگونه توانسته پاسخی برای این انتقادات ارائه دهد؟
- ۳- رابطه ضرورت و وجود در دیدگاه ویلیامسون چیست؟

با مروری اجمالی بر آثار ویلیامسون می توان پاسخ به سه سؤال فوق را به اختصار اینگونه بیان کرد که:

۱- ویلیامسون با استفاده از رویکرد دامنه ثابت کریپکی در سیستم S5 ساده ترین منطق موجهات معمولی توانسته هم به صورت نحوی و هم به صورت معنایی ایندو فرمول را اثبات کند. اما با وجود مثالهای نقض شهودی علیه فرمولهای مذکور لازم بوده که او تعریف جدیدی از اشیاء ممکن در توجیه چنین فرمولهایی ارائه کند بر همین اساس او تعریفی متمایز از اشیاء ممکن مورد نظر ممکن گرایان ارائه می کند.

۲- یکی از انتقاداتی که از زمان کواين تاکنون در مورد اشیاء ممکن مطرح بوده، بحث تعیین چنین اشیایی است. ویلیامسون با استفاده از اوصاف جهت مند اشیاء ممکن محض و بیان آنها به صورت شرطی های خلاف واقع توانسته جواب قانع کننده ای در این باب ارائه دهد.

۳- ویلیامسون در دفاع از وجود ضروری اشیاء از دو راهکار استفاده می کند: راهکار اول او مبتنی بر نظریه سورهای نامقید است که بواسطه آن می تواند از وجود منطقی اشیاء سخن بگوید. راهکار دوم مبتنی برهان وجود ضروری است که در ساختار چنین برهان از گزاره های سالبه وجودی و شرایط صدق آنها مدد می گیرد.

۱-۳- نگاهی اجمالی به فصل های تحقیق

همانطور که اشاره شد هدف پروژه ویلیامسون دفاع از نظریات لینسکی و زالتا و ارائه دلایلی محکم در توجیه نظریات آنها است. به همین خاطر برخی معتقدند که او همانند لینسکی و زالتا یک واقعیگرا است. اما بر خلاف چنین نظری خود ویلیامسون از منتسب کردن خود به واقعیگرایان پرهیز می کند و دلیل او در این امر این است که واژه "واقعی بودن" همانند واژه "وجود" دارای ابهاماتی است که کاربرد آنرا مخدوش می کند. در نتیجه اگر نخواهیم همانند رویه مرسوم تمامی نظرات خارج از مکتب

واقع‌گرایی را به ممکن‌گرایان نسبت دهیم بایستی بگوییم که ویلیامسون با تعریف جدیدی که از اشیاء ممکن محض ارائه می‌کند به نوعی ممکن‌گرایی پایبند است که با رویکردهای رایج به ممکن‌گرایی متفاوت است و در عین حال نقاط مشترک زیادی با واقع‌گرایی جدید نیز دارد. به همین واسطه ما در فصل دوم تحقیق به منظور آشنایی مقدماتی نسبت به پیشینه بحث و روشن کردن جایگاه رویکردهای واقع‌گرایانه و ممکن‌گرایانه، بعد از بررسی آراء مختلف درباره واقع‌گرایی به رویکردهای مختلف به ممکن‌گرایی نیز پرداخته ایم تا بتوانیم در انتهای فصل وضعیت جامعی را از این دو مکتب نظاره‌گر باشیم و از طریق آن جایگاه ویلیامسون را در چنین بحث‌هایی مشخص کنیم. در فصل سوم که نقطه آغازین ما در پرداختن به آراء ویلیامسون است، پس از بررسی شرایط ظهور و بروز مثالهای نقض علیه BF, CBF امکان پاسخ‌گویی به چنین مثالهای نقضی را تنها در توسل به اشیاء ممکن مورد نظر ویلیامسون شاهد هستیم. به همین واسطه به تعریف ویلیامسون در باب اشیاء ممکن و تمایز آن با اشیاء ممکن مورد نظر ممکن‌گرایان کلاسیک پرداخته و قابلیت آنرا در پاسخ‌گویی به چنین مثالهایی مورد ارزیابی قرار داده ایم. پس از آن بنا بر رویه‌ای که ویلیامسون برای خود اتخاذ کرده، نسبت چنین اشیایی را با اشیاء گذشته بررسی کرده تا از این طریق به درک بهتری از شرایط تعریف چنین اشیایی و اوصاف جهت‌مند آنها نائل شویم.

اما نکته آخر در این فصل بررسی توانایی ویلیامسون در پاسخ‌گویی به مسائل مطرح شده در باب اشیاء ممکن از طریق تعریف او در باب اشیاء ممکن محض است. در همین راستا یکی از مشهورترین این مسائل که به مسأله تعیین اشیاء ممکن مشهور شده است را با تکیه بر آراء ویلیامسون حل و فصل خواهیم کرد.

در فصل چهارم به دفاع ویلیامسون از وجود ضروری اشیاء در سایه عقلانیت سورهای نامقید پرداخته ایم. به اعتقاد ویلیامسون بی‌طرف بودن منطق نسبت به اشیاء عالم از جمله اهدافی است که از زمان پیدایش منطق کلاسیک تا به امروز توسط منطقدانان مد نظر بوده و یکی از اهداف منطقدانان را جامه عمل پوشاندن به چنین خواسته‌ای می‌دانستند. در همین راستا بواسطه پایبندی به اصول منطق

کلاسیک در اجتناب از محمول واقع شدن وجود بایستی وجود را همانند اوصاف منطقی بعنوان یک مفهوم درجه دوم در نظر گرفت که در مورد مفاهیم درجه اول سخن می گوید. اما چنین رویه ای بر خلاف نظریه مدل استاندارد است زیرا نظریه پردازان مدل استاندارد به منظور اجتناب از پارادوکس هایی نظیر پارادوکس راسل دامنه اشیا را به گونه ای محدود و مقید می کنند که هر چیزی نمی تواند در آن دامنه وجود داشته باشد و چنین مطلبی درکنار اینکه با مفاهیم منطقی مورد نظر ما در تعارض است از وجود پارادوکس در نظریه سورهای نامقید مورد استفاده در تعریف صفات منطقی نیز حکایت می کند. با این اوصاف فصل چهارم نمایشگر تلاش ویلیامسون در حمایت از نظریه سورهای نامقید و مقابله او با پارادوکس نظریه کلیت مطلق است و از آنجا که معقولیت چنین نظریه ای مقوم نظریه وجود ضروری اشیا است بایستی دید که ویلیامسون تا چه حد در این مهم موفق بوده است. فصل پنجم بعنوان فصل پایانی تحقیق بابرهانی از ویلیامسون بنام "برهان وجود ضروری" آغاز می شود. شالوده این فصل مبتنی بر تلاش ویلیامسون در دفاع از برهان مذکور و نشان دادن عقلانیت آن در سایه وجود منطقی اشیا است. اما در این راستا از نقدهای موجود به برهان او به سادگی نگذشته و آنها را نیز مورد بررسی قرار داده ایم و به این طریق شرایط را برای مخاطب او فراهم کرده ایم تا آزادانه آثار او را مورد نقد و قضاوت قرار دهد.

۱-۴- تعاریف:

۱- اشیا ممکن:

در اصطلاح شناسی ویلیامسون زمانیکه از شیء سخن می گوئیم به تعبیر او از مکان هندسی بالقوه ی سخن می گوئیم که بواسطه حمل اوصاف عادی و یا جهت مند به آن شیء می توان از وجود داشتن آن سخن گفت.

به این ترتیب زمانیکه از یک Fs حرف می زنیم، عملگر امکان می تواند یا بر صفت F حمل شود و یا بر شیء دارای آن صفت حمل شود. اگر عملگر امکان بر صفت شیء حمل شود در اینصورت شیء